

عناصر بازی‌های محلی کودکان و جنبه‌های نمایشی آنها

ناهید جهازی^۱

چکیده

در بازی‌های محلی ایران، عناصر نمایشی فراوانی وجود دارد. برخی از این عناصر همچون بازیگر، تماشاگر، شخصیت، گفتگو، موضوع، طرح و پیرنگ و زمان و مکان می‌توانند برای نویسندگان و کارگردانان عرصه نمایش و فیلم و تلویزیون (انیمیشن، نمایش عروسکی و زنده) شرایطی فراهم آورند که آنان با بهره‌گیری از این عناصر بتوانند برنامه‌هایی جذاب و مخاطب‌پسند ارائه کنند. همچنین، این بازی‌ها به دلیل ویژگی‌هایی همچون ساده و مفرح بودن، آرامش‌بخش هستند و از آنها می‌توان برای از میان بردن فشارهای روانی جامعه بهره گرفت.

کلیدواژه: بازی‌های محلی، عناصر نمایشی بازی‌ها، تم بازی‌ها، شخصیت

در بازی‌ها، گفتگو در بازی‌ها

۱. کارشناسی ارشد ادبیات نمایشی از دانشگاه تهران و پژوهشگر فرهنگ عامه

مقدمه

هر ملّتی با زمزمه ترانه‌ها، بازی‌ها و آئین‌های محلی خویش پرورش می‌یابد و به یاری آن، فراز و نشیب‌های گران را درمی‌نوردد. از میان انواع آداب و سنن رایج در مناطق روستایی و شهری، بازی‌ها، نوعی تمرین واقعیت‌های زندگی هستند؛ بویژه بازی‌هایی که ترکیبی از حرکات و آهنگ‌های برخاسته از روح واقعی مردم‌اند. در این بازی‌ها همه گروه‌های سنی از پیر تا جوان و کودک نقش‌آفرینی می‌کنند، بدون آنکه رعایت مقام و منزلت کسی در میان باشد. پدر در مقابل فرزند و کدخدا در مقابل رعیت به بازی و سرگرمی می‌پردازند و در نهایت همه شاد و خندان، خستگی حاصل از کار روزانه را برطرف می‌کنند.

عناصر بازی‌های محلی از جمله بازیگر، تماشاگر، شخصیت، موضوع، طرح و پیرنگ، زمان و مکان، گفتگو، لباس، چهره‌آرایی، حرکات موزون، آواز و موسیقی و نیز بسیاری از نشانه‌های دیگر هر کدام به روش خود به پیدایش معنا کمک می‌کنند. بازی‌های محلی برای اجرا به مکان و ابزار ویژه‌ای نیاز ندارند و در همه جا قابل اجرا هستند. ابزار مورد استفاده این بازی‌ها، اشیای ساده‌ای همچون سنگ، چوب، خاک، پارچه، استخوان و ریسمان است که در همه جا در دسترس‌اند.

بازی‌های محلی

بازی‌های محلی، عناصر و عوامل ساختاری متعددی دارند که به هم پیوسته و از هم تفکیک‌ناپذیرند و همگی آنها را می‌توان جلوه‌های گوناگونی از یک موقعیت واحد دانست؛ موقعیتی که در آن بازیگران و تماشاچیان به آگاهی و دریافت از ماهیت هستی‌نایل می‌شوند. (اسلین، ۱۳۷۵: ۱۶)

کودکان، بازی‌ها را از پدر و مادر یا کودکان بزرگ‌تر می‌آموزند. بازی‌های محلی چند ویژگی مهم دارند که کودکان ناخودآگاه آنها را به کار می‌گیرند. نخستین ویژگی، وجود اصل «خلاقیت» در این بازی‌هاست. کودکان در بازی‌ها، عناصر نمایشی مانند بازیگر، کارگردان، طراحی صحنه و غیره را به شکل ابتدایی و ساده خلق می‌کنند.

دومین ویژگی، وجود اصل «بداهه‌پردازی» در این بازی‌هاست. یک بازی ثابت با بازیگران متفاوت به طور متفاوتی نیز اجرا می‌شود. در بعضی از بازی‌ها این اصل پررنگ‌تر است؛ مانند بازی «یه مرغ دارم» که تا زمانی که بازیگران خسته شوند، ادامه می‌یابد، اما بازی‌های دیگری هم وجود دارند که عنصر بداهه‌پردازی در آنها کم‌رنگ‌تر است و داستان بازی بدون تغییر اجرا می‌شود. وجود اصل «فاصله‌گذاری» یکی دیگر از ویژگی‌های بازی‌های سنتی است. کودکان در اجرای بازی‌های نمایشی هیچ گاه وجود واقعی خودشان را به عنوان شخص حقیقی فراموش نمی‌کنند و غرق در نقش نمی‌شوند. آنها در نقش فرو می‌روند، اما در لحظه‌ای کوتاه از نقش خارج می‌شوند. این ویژگی باعث می‌شود کودکان خود را بهتر بشناسند و داوری کردن را بیاموزند.

یکی دیگر از ویژگی‌های بازی‌های محلی، اجرای بازی «با امکانات اندک» است. این بازی‌ها با کمترین امکانات و ابزار مناسب اجرا می‌شوند، حتی تعداد افراد هم در اجرای بازی خللی ایجاد نمی‌کنند و گاه با دو نفر می‌توان بازی را انجام داد. بازی با خود تغییرات عاطفی، ذاتی و درون‌فردی را به همراه می‌آورد و بازیگر در حین بازی مراحل تغییر را از سر می‌گذراند و از نظر عاطفی و روحی، احساسی خوشایند پیدا می‌کند.

مهم‌ترین اصل در بازی‌های محلی وجود اصل «بازیگری» است. اگر هر کدام از عناصر، حذف یا کمرنگ شوند، رخنه‌ای در بازی پدید نمی‌آید، مگر با حذف بازیگر. از سویی به دلیل محدودیت کلامی و واژگانی، کودکان برای بیان مفاهیم بازی‌ها بیشتر به حرکت گرایش دارند و میان دو عنصر کلام و حرکت که در بازیگری مهم هستند، نقش عنصر حرکت، پررنگ‌تر است. هر بازی محلی در هر سن و مرحله‌ای دارای عناصری است که با شناخت آنها می‌توان بازی‌ها را دسته‌بندی کرد.

عناصر بازی‌های نمایشی محلی کودکان

۱. بازیگری

بازیگری، یکی از پایه‌ای‌ترین نظام‌های نشانه‌ای است که در بازی‌های کودکان معنای نمایشی را می‌آفریند. بازیگری در بازی‌های محلی کودکان، در عین سادگی انجام می‌شود و همین سادگی دارای دو بعد است. در وهله نخست باید بدانیم که بازیگر همان شخص «واقعی» است، با ویژگی‌های جسمانی و صدا و خوی ویژه. بازی‌های محلی با استفاده از انسان‌های واقعی (بازیگر) یا اشیای واقعی، واقعیت را نمایش می‌دهند؛ واقعیتی که در دل شهرها و روستاها در گذشته‌ای بسیار دور زاده شده، رشد کرده و یک شکل منسجم نمایشی به خود گرفته است. برای نمونه، نقش گرگ در بازی «مادر و گرگ» از سوی یک کودک با خصوصیات انسانی اجرا می‌شود. در اینجا کودک برای القای شخصیت گرگ با شناختی که از ویژگی‌های درندگی و خون‌آشامی آن دارد، چهره در هم می‌کشد و می‌غرود، روی پنجه جست و خیز می‌کند و با کودکانی که نقش گوسفند و بره را بازی می‌کنند، به ستیز می‌پردازد.

عناصر بازی‌های محلی کودکان و جنبه‌های نمایشی آنها ❖ ۱۵۳

بنابراین، باید گفت که بازیگر، انسانی واقعی در مرکز بازی است که فکر و اندیشه‌ای نهفته را با همان شناخت و آگاهی نسبی خود عینیت می‌بخشد.

۲. تماشاگر

یکی از عناصر و اجزای بنیادین بازی‌های محلی کودکان، تماشاگر است. تماشاگر فارغ از کار روزانه برای اینکه دقایقی از روز را سرگرم باشد، به میدان بازی می‌آید و شاهد بازی می‌شود. او دقایقی را به خوشی و خرمی می‌گذراند، زیرا هدف بازی لذت بردن و رفع خستگی ناشی از کار روزانه است.

بازی‌هایی که در کوچه و خیابان اجرا می‌شوند، تماشاگری دارند که با بازی همراه می‌شود و در مورد بازی به اظهار عقیده و نظر خود می‌پردازد و حتی در مواردی تشویق می‌شود و در بازی شرکت می‌کند. اما زمانی که بازی محلی به اثر نمایشی (نمایش و فیلم) تبدیل می‌شود، تماشاگر در حد همان وظیفه اصلی خود که تماشای بازی است، باقی می‌ماند و اگر اظهار نظری از سوی او بیان می‌شود، پس از پایان اجراست که بازخورد آن ممکن است به نظر اجراکنندگان برسد.

۳. گفتگو یا مکالمه

بسیاری از بازی‌های محلی مثل «اشتر به چراست در بلندی» با گفتگو یا مکالمه همراه است. این گفتگوها یا نثر هستند یا نظم که با آواز همراه می‌شوند. مکالمه یا گفتگو در بازی‌های محلی همچون درام، دارای ویژگی‌هایی مانند داشتن بار اطلاعاتی، بروز شخصیت، بسط و گسترش قصه بازی، پیشبرد قصه، اشاره به زمان و مکان و... است.

در بازی «هل هل گرگ چمبیری» خطرات ناشی از حمله دشمن و ترندهایی که او به کار می‌بندد تا به هدف خود برسد، در چند جمله نظم‌گونه بیان می‌شود:

۱۵۴ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

گرگ: هل هل گرگ چمبری
 کودکان: زهره نداری ببری
 گرگ: اگر بردم چه می کنی
 کودکان: خرد و خمیرت می کنم
 گرگ: چنگال من تیزتره
 کودکان: بره من عزیزتره

جنبه دیگر گفتگو در بازی های محلی، مقوله زبان است. زبان بسیاری از بازی های محلی ترانه گون است.

بعضی از بازی ها برای تقویت گفتار در کودکان مفید هستند. این بازی ها عبارت اند از: «یه قرون ماست بده»، «اشتر به چراست در بلندی»، «هل هله گرگ چمبری»، «ما گلیم، ما بلبلیم»، «هر کسی کار خودش» و «لی لی حوضک».

۴. موسیقی و حرکات موزون

«ترانه و موسیقی عامیانه که یکی از مراحل اولیه شعر و موسیقی است، از احساس درونی یک روستایی، با حسن الحان، اوزان ساده و بی تکلف سرچشمه گرفته است. آدمی برای آنکه زندگی کند، بر اساس باورها و قصه هایش موسیقی را ساخته است، به گونه ای که در بدو امر از چارچوب مجموعه ای از تقلیدهای ابتدایی فراتر نمی رود، اما او به کشف خود بسنده نمی کند، سال ها می کوشد تا به شکل تکامل یافته ای درآید.» (همایونی، ۱۳۴۸:

(۵۷)

بازیگران بازی های محلی با حرکات رقص گونه به همراه آواز، مفهوم عمل خود را به نمایش می گذارند. در بازی ها، عواطف و احساسات کودکان متناسب با ذوق هنری آنها بروز می کند. اغلب مشاهده شده است که یک بازی

عناصر بازی‌های محلی کودکان و جنبه‌های نمایشی آنها ❖ ۱۵۵

در مناطق مختلف، بدون آنکه امکان تقلید وجود داشته باشد با مضمون و سبکی شبیه به یکدیگر، اجرا شده است. مانند بازی «خاله و گرگ» که در جنوب به نام بازی «هل هله گرگ چمبری» معروف است.



بعضی از این ترانه‌ها، نمایشی هستند؛ مانند: «جمجمک برگ خزون»، «حمومک»، «خاله جون خاله»، «شاه و ملکه»، «صغرا برو جارو کن»، «عمی، عمی»، «کشا، کشا»، «ماه تی تی». برای نمونه در بازی «جمجمک برگ خزون» کودکان مشت‌های خود را گره می‌کنند، روی هم قرار می‌دهند و با هم می‌خوانند:

جمجمک برگ خزون

مادرم زینب خاتون

گیس داره قد کمون

از کمون بلندتره

از شفق مشکی تره
سپس شروع به دست زدن می‌کنند و ادامه می‌دهند:
ننه ننه من شونه می‌خوام
شونه بی‌دونه می‌خوام
هاجستم و واجستم
تو حوض نقره جستم

۵. شخصیت

از دیگر عناصر نمایشی در بازی‌های محلی، می‌توان به عنصر «شخصیت»^۱ اشاره کرد که با توجه به رویداد بازی، دارای سادگی و لطافت است. بازی‌های محلی نوعی نمایش سنتی هستند و نمایش سنتی از نگاه دکتر جابر عناصری «آمیزه‌ای از عادات، آواز، کلام و گفتار است و همواره از سوی عامه مردم، خواست فزاینده‌ای برای این گونه نمایش وجود داشته است. تئاتر سنتی در بیان عواطف و هیجان‌های اکثریت مردم، و در رساندن پیام رفتار نیک به عموم، به حدّ وسایل ارتباط جمعی می‌رسد.» (عناصری، ۱۳۶۶: ۲۳)

شخصیت در بازی‌های محلی، کودکانی هستند که از سنت‌های نمایشی پیروی می‌کنند و شخصیت‌پرداز، سرگروه بازی است که اشخاص (کودکان) را در کنار هم می‌چیند و موقعیتی را می‌آفریند تا به هدف خود که سرگرمی یا آموزش یک مهارت است، برسد. گاهی شخصیت بازی اشیایی مانند عروسک، چوب یا سنگ است. کودکان، شخصیت‌های بزرگسالی را که در اطراف خود می‌بینند، می‌آفرینند؛ مانند دکتر، پیرزن، پیرمرد، مادر، پدر و غیره.

عناصر بازی‌های محلی کودکان و جنبه‌های نمایشی آنها ❖ ۱۵۷

بعضی از شخصیت‌های بازی‌ها، حیوانات هستند، مانند گرگ در بازی «مادر و گرگ»، یا شغال در بازی «خاله و شغال». شخصیت‌پردازی در اکثر بازی‌ها برگرفته از زندگی واقعی است.

۶. موضوع

درخصوص موضوعات بازی‌های محلی کودکان باید گفت که برخی از آنها به بازگویی و بازنگری آداب و رسوم یک منطقه یا محله می‌پردازند و به حوادث زندگی چون تولد و مرگ، عشق و تنفر، بیماری و قحطی، فقر و تنگدستی و... که همواره اندیشه آدمی را به خود مشغول داشته و ذهن جستجوگرش را تحریک کرده است، پاسخ‌هایی در حد فهم و درک خود می‌دهد.

صداقت‌کیش در اثر خود «بازی‌های محلی آباده» می‌گوید: «بازی‌ها، بازتابی از زندگی مردم هستند که از شکل اداره جامعه و زندگی مردم الهام می‌گیرند؛ با همان ساز و برگ‌ها و همان ویژگی‌های خشونت، ملایمت، خدعه، نیرنگ و ابتکار و خلاصه هر آنچه وجود دارد و جزء جدانشدنی زندگی است.» (صداقت‌کیش، ۱۳۶۰: ۸)

بنابراین، موضوعات بازی‌های محلی متناسب با وضعیت و شرایط اقلیمی انتخاب شده است. چنانکه موضوع بازی «خاله و گرگ» حمله و نیرنگ دشمن و طریقه دفاع از خود است. موضوع بازی‌های «آینه بازی»، «بله، نه»، «کلاغ پر»، «کلم، پیاز»، «یک مرغ دارم»، «هاله منو»، «جُو به جُو»، «دختر و پسر یا اسم بازی»، «شهربازی»، «گرگم به هوا»، «تاپ، تاپ خمیر» و «پاسخ برعکس»، تقویت حضور ذهن است. در این بازی‌ها کودکان باید حواسشان را جمع کنند و متوجه نکات انحرافی بازی باشند تا برنده شوند. موضوع بعضی از بازی‌ها

نیز تقویت هوش کودک است؛ مانند بازی‌های «تاپ تاپ خمیر»، «اتالو و متالو»، «چشم بسته»، «آرنگ مَرنگ، اسب چه رنگ؟» و «آسبک چه رنگ؟» «سروردار»، «گو، گوساله، فَنگلی»، «گیو، گوزل پَندیل». در این بازی‌ها کودکان معمولاً با حدس و گمان و به کار انداختن هوششان به سؤالاتی که از آنها می‌شود، پاسخ می‌دهند. برای مثال در بازی «گو، گوساله، فَنگلی»، اوستا سه تا سنگ کوچک (ریگ) را انتخاب می‌کند و سنگی را که از همه بزرگ‌تر است، گو (گاو) دومی را گوساله و سومی را که از همه کوچک‌تر است، فَنگلی می‌نامد. سپس یکی از آنها را در یک دستش پنهان می‌کند و از بچه‌ها سؤال می‌کند: «گو، گوساله، فَنگلی؟» اگر مخاطب درست بگوید، از دایره خارج می‌شود و اگر اشتباه بگوید، در دایره می‌ماند و بازی را ادامه می‌دهد تا در آخر یک نفر بماند. آنگاه اوستا چشم او را می‌گیرد و دسته‌جمعی با دست خود به یک سمت اشاره می‌کنند و می‌گویند: اُسولو، اسولو^۱ و او هم باید بگوید آنها به کدام سمت اشاره می‌کنند، اگر درست بگوید، آزاد می‌شود و اگر اشتباه بگوید، بازی ادامه می‌یابد تا او درست بگوید. (کیانیان، ۱۳۸۴: ۱۰۳)

موضوع بعضی از بازی‌ها، «یارگیری» است. این بازی‌ها معمولاً وقتی کودکان دور هم جمع می‌شوند و تصمیم به بازی می‌گیرند، انجام می‌شوند و از این طریق کودکان به دو گروه تقسیم می‌گردند. بازی‌های یارگیری عبارت‌اند از: «آدک، مَدک»، «الاقامیا»، «اره، بره»، «آنومانوگیلاسی»، «پشک انداختن»، «ترانه خوانی»، «در آمدن»، «مَلاهوا».

موضوع بعضی از بازی‌ها هم شروع بازی است، مانند بازی‌های «طاق یا جفت»، «هر که داره بوو داره».

۱. اصواتی بی‌معناست که برای نشان دادن جهت‌ها در بازی به کار می‌رود. این صوت‌ها در مناطق دیگر متفاوت‌اند، مثلاً در لرستان به آن قَرلی سُرلی می‌گویند.

عناصر بازی‌های محلی کودکان و جنبه‌های نمایشی آنها ❖ ۱۵۹

در برخی دیگر از بازی‌ها، موضوع عروسی و ازدواج وجود دارد. این موضوع در بازی‌های «ننه پیرزالو» و «عروس بازی» دیده می‌شود. موضوع بعضی از بازی‌ها، خاله‌بازی است که در آنها بچه‌ها ادای بزرگ‌ترها را درمی‌آورند. بازی «مادر و خاله گرگه» نمونه‌ای از موضوع حمایت از خانواده است. گرگ به بچه‌ها حمله می‌برد یا به سراغ مادر می‌رود و از او، فرزندانش را می‌خواهد، اما مادر قبول نمی‌کند و در مقابل، گرگ از فرزندانش حمایت می‌کند.

بعضی از بازی‌ها برای تقویت خلاقیت و حرکات پانتومیم مناسب هستند. این بازی‌ها عبارت‌اند از: «مجسمه بازی»، «مجسمانه»، «مجسمه»، «صندلی بازی»، «آسیانشین»، «لولولو، چه چه چه مجسمانه»، «خیال دست»، «اوستا کیه؟»، «بازی با سایه دست»، «استپ، آزاد».

موضوع بعضی از بازی‌ها، شناخت اوزان موسیقی (ضرباهنگ) است. این بازی‌ها، هوش موسیقایی کودک را تقویت می‌کنند. بازی‌هایی که دارای این موضوع هستند عبارت‌اند از: «خورشید خانم آفتاب کن»، «اشتر اشترم»، «جوجموهویزه»، «زنگله پا»، «دویدم و دویدم»، «خونه شیر».

بعضی از بازی‌ها برای تقویت حافظه مناسب هستند. مانند: «کوچولو مچول»، «سُم بلی بلی»، «ساربونی، ساربونی»، «یک من و یک سیر».

بعضی از بازی‌ها هم بداهه‌سرایی را در کودکان تقویت می‌کنند؛ مانند بازی‌های «حسن کچل»، «یک کلاغ، چهل کلاغ»، «انگشتان رنگ شده».

۷. طرح و پیرنگ

طرح و ساختمان بازی‌های محلی در ظاهر بسیار ساده است، به گونه‌ای که چیزی جز مجموعه‌ای رفتار، کردار و گفتار معمولی نیست اما در باطن چنان عمیق و ریشه‌دار هستند که فهم واقعی آنها مشکل به نظر می‌رسد.

بعضی از بازی‌ها، ساختمانی ساده و پیش پا افتاده دارند، البته بازی‌هایی هم پیدا می‌شوند که ساختمان آنها پیچیده‌تر هستند. بازی‌های نمایشی از نوعی ساختار ساده نمایشی یعنی مقدمه، گره‌افکنی، نقطه اوج و گره‌گشایی پیروی می‌کنند.

۸. زمان و مکان

بازی‌های محلی با عمل همراه‌اند؛ یعنی با کنش، زاده می‌شوند و به سوی هدف پیش می‌روند. این بازی‌ها چون در فضای سه‌بعدی اتفاق می‌افتند، دارای بعد زمان و مکان هستند. در بازی‌های محلی، مکان به طور معمول محل زندگی کودکان است؛ کوچه، میدان، زمین ساحلی کنار دریا، آپارتمان و حتی پارکینگ خانه. بعضی از بازی‌های محلی زمان و مکان نمی‌شناسند و در هر زمان و مکانی اجرا می‌شوند. تعدادی بازی هم یافت می‌شوند که در زمان معین و مکان مشخصی اجرا می‌شوند. مثلاً بازی «تیرمه» که در جنوب و در شب اجرا می‌شود، یا مراسم «دُم دُم سحری» که در سحرگاه ماه مبارک رمضان در کوچه پس کوچه‌ها انجام می‌شود.

۹. طراحی صحنه، لباس و چهره

طراحی صحنه، لباس و چهره در بازی‌های محلی چندان نمودی ندارد، اما در بعضی از بازی‌ها کمابیش از طراحی صحنه استفاده می‌شود. مانند «ننه پیرزالو» که دختر بچه‌ای خودش را به شکل یک پیرزن در می‌آورد یا بازی «بابا قوره ت» که در آن یکی از بچه‌ها، چوبی را به عنوان عصا به دست می‌گیرد و خودش را به شکل پیرمردی در می‌آورد. در بازی‌های خاله بازی هم بچه‌ها سعی می‌کنند وسایل خانه یا وسایل پذیرایی مانند چای، گاز، فرش و غیره را آماده کنند (البته در مقیاس کودکانه و اسباب‌بازی آن). وسیله بعضی از بازی‌ها هم تنها یک طناب ساده است؛ مانند ترنابازی.

عناصر بازی‌های محلی کودکان و جنبه‌های نمایشی آنها ❖ ۱۶۱

اما بیشتر بازی‌ها، بدون لباس و چهره‌آرایی به اجرا درمی‌آیند و تقلید در درون بازی نهفته می‌شود نه در لباس و چهره بازیگران.

بازنویسی نمایشی بر مبنای بازی‌های محلی کودکان

بازی‌هایی که دارای عناصر نمایشی باشند، می‌توانند به صورت مستقل یا ترکیبی در برنامه‌های آموزشی یا داستانی کودکان مورد استفاده قرار گیرند. در مواردی می‌توان با استفاده از ساختار این بازی‌ها، داستان جدیدی خلق کرد یا اصل بازی در متن فیلمنامه آورده شود. در فیلمنامه‌هایی که شخصیت‌های اصلی آن کودکان هستند، می‌توان کودکان را در حال انجام این بازی‌ها نشان داد. برای نمونه، در فیلمنامه تلویزیونی عروسکی قصه‌های «بوبونی و مادر بزرگ» که از سوی نگارنده ارائه شده است، شخصیت‌های کودک این مجموعه تلویزیونی یک دختر بچه به نام بوبونی، یک پسر بچه به نام کالو، یک لاک‌پشت و یک پرنده هستند و معمولاً هر صحنه با نشان دادن کودکان در حال اجرای یک بازی محلی مانند «اتل توت متل» شروع می‌شود. این بازی به علت آهنگین بودن، جذابیت فراوانی برای بچه‌ها دارد. بنابراین، در پویانمایی‌ها و فیلم‌ها می‌توان با نمایش کودکان در حال اجرای یک بازی محلی، آن بازی را به صورت غیر مستقیم معرفی نمود.

در ایران یک مجموعه مستند پویانمایی بر اساس بازی‌های محلی ایرانی از رسانه ملی پخش شده است که هرچند تلاش و زحمت بسیاری برای تهیه آن کشیده شده و بر اساس تحقیقات مستندی ساخته شده بود، به دلیل مستند بودن و برخوردار نبودن از وجه سرگرم‌کنندگی که مهم‌ترین عنصر در جذب مخاطب است، با اقبال چندانی روبه‌رو نشد. اگر این بازی‌ها به صورت

مجموعه‌ای داستانی آماده شوند به این صورت که ابتدا داستان و شخصیت‌هایی داشته باشیم و بعد برای این شخصیت‌ها ماجرای پیش بیاید و در دل این ماجراها به بازی‌های محلی پرداخته شود، تماشای آنها دلنشین‌تر و تأثیرگذاری آن ماندگارتر خواهد بود. همان طور که این بازی‌ها نیز ابتدا به منظور سرگرمی از سوی کودکان اجرا می‌شوند و آموزش‌های مهارتی آن در بطن بازی‌ها نهفته است و کودکان ناخواسته به آن توانایی‌ها دست می‌یابند، در معرفی این بازی‌ها هم ابتدا بایستی اصل لذت و سرگرمی در نظر گرفته شود، سپس وجه آموزشی آن خود به خود حاصل می‌شود.



بازی‌هایی مانند «عموزنجیرباف»، «گرگم و گله می‌برم» و دیگر بازی‌هایی که بر ترانه استوار هستند، هوش موسیقایی کودک را تقویت می‌کنند. ضمن آنکه کودک نیز از شنیدن و بازگکردن این بازی - ترانه‌ها لذت می‌برد. همچنان که در بسیاری از کشورها، از موسیقی کلاسیک سبک به عنوان عامل تقویت هوش کودک بهره برده می‌شود، می‌توان از گنجینه باارزش بازی‌های

عناصر بازی‌های محلی کودکان و جنبه‌های نمایشی آنها ❖ ۱۶۳

محلی کودکان برای این امر سود برد. در برنامه‌سازی برای کودکان خردسال جای برنامه‌هایی که بر اساس این بازی‌ها ساخته شده باشد، خالی است. در سال‌های گذشته بازیگری با نام تلویزیونی «عمو سلیمون» به معرفی و اجرای بازی‌های محلی می‌پرداخت که این برنامه مورد توجه فراوان کودکان بود.

بازی‌های خاص کودکان خردسال، سرشار از ترانه‌گویی و تکرار ماجراها و کلمات هستند؛ مانند بازی «آسیاب بشین»، «عمو زنجیرباف»، «فیل اومد آب بخوره افتاد و دندونش شکست» که در آنها کودک از موسیقی و ترانه موجود در بازی لذت می‌برد و تکرار واژه‌ها به زبان‌آموزی کودک یاری می‌رساند، اما به تدریج که کودک بزرگ می‌شود و به سن نوجوانی می‌رسد، بازی‌ها با تحرک و پیچیدگی بیشتری همراه می‌شوند.

هرچند حرکت و بازی بازیگران در این بازی‌ها قراردادی و از پیش تعیین شده است، اما بازیگر قادر به خلاقیت و اجرای بداهه بازی است که آن را جذاب می‌سازد. در این بازی‌ها حرکت و عمل بازیگر اهمیت دارد و بازی‌ها بیشتر با بازی و عمل بازیگر همراه هستند.

جمع‌بندی

بازی‌های محلی بهترین و تأثیرگذارترین زبان برای بیان افکار و اندیشه هستند. نخستین ویژگی این بازی‌ها رعایت احترام بین افراد یک جامعه است. در بازی‌ها هرچند احترام بین افراد رعایت می‌شود، اما مقام و منزلت افراد در نظر گرفته نمی‌شود. در این بازی‌ها برد و باخت به صورت جدی وجود ندارد. ساختار این بازی‌ها اغلب ساده و سطحی است، هر چند در بین آنها بازی‌هایی با طرح‌های پیچیده هم یافت می‌شود. اغلب بازی‌های محلی حاوی یک کل به

هم پیوسته است با اجزایی چون حرکات موزون، آواز و جست و گریز که در نوعی آمیختگی طبیعی و بدیع طراحی شده‌اند.

همه گروه‌های سنی می‌توانند بازی‌های محلی را بازی کنند و پس از پایان بازی، برنده و بازنده هر دو شاد و خندان میدان بازی را ترک می‌کنند. بازی‌های محلی دارای قوانین و ضوابطی هستند که مطابق با ذوق و سلیقه مردم هر منطقه تغییر می‌کنند و گاه این قانونمندی چنان دقیق است که موجب تحرک و جنب و جوش فراوان می‌شود. در بازی‌های محلی بعضی از مناطق، مانند منطقه دشتستان استان بوشهر، کسی می‌تواند بازی را خاتمه دهد که نوبت برد او باشد؛ یعنی تا زمانی که بازنده است، حق خاتمه بازی را ندارد. از بازی‌های محلی می‌توان به عنوان عنصر آرامش‌بخش (کاتارسیس^۱)، برای از میان بردن فشار حاصل از کار و تلاش روزانه سود برد. بازی‌های محلی حاوی عناصر نمایشی مانند بازیگر، تماشاگر، طراحی صحنه، حرکات موزون، موسیقی و گفتگو هستند که از آنها می‌توان در نمایش‌های عروسکی، پویانمایی و فیلم‌های مستند و داستانی استفاده کرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

عناصر بازی‌های محلی کودکان و جنبه‌های نمایشی آنها ❖ ۱۶۵

منابع

۱. اسلین، مارتین (۱۳۷۵). *دنیای درام*. ترجمه محمد شهباز. تهران: انتشارات فارابی.
۲. صداقت‌کیش، جمشید (۱۳۶۰). *بازی‌های محلی آباده*. بی‌جا: مؤلف.
۳. عناصری، جابر (۱۳۶۶). *درآمدی بر نمایش در ایران*. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۴. کیانیان، داوود (۱۳۸۴). *نمایش کودک*. تهران: مؤسسه فرهنگی منادی تربیت.
۵. همایونی، صادق (۱۳۴۸). *فرهنگ مردم سروستان*. تهران: وزارت اطلاعات.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی